

شرح رساله حقوق

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما در مورد حق نماز سال گذشته به پایان نرسید. فرازی از رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) مربوط به نماز بود. اجمالاً عرض کردیم: امام در طلیعه این کلام، دو حق برای نماز ذکر کردند. برای یادآوری، من این را می‌خوانم. ممکن است تکرار باشد، اما برای بازگشت به این بحث پس از فاصله چند ماهه، ناچاریم این را بخوانیم:

«وَحَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ». حق نماز دو چیز است:

یکی اینکه بدانید نماز در واقع یک مرکب یا درگاهی است به سوی خداوند؛ یعنی خود نماز را بشناس که نماز چیست.

«وَأَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ»؛ و اینکه تو در نماز در چه موقعیتی قرار می‌گیری و در برابر که هستی. این دو حق را مفصل توضیح دادیم.

مؤلفه های خضوع قلبی

پس از آن فرمودند: تو باید در برابر خداوند اینچنین باشی، یعنی اشاره به خضوع قلبی و جوانحی و جوارحی، عبارت بعدی امام سجاد (ع) را اگر بخواهیم در دو عنوان خلاصه کنیم بعد از ذکر این دو حق این است که حال که این دو حق را دانستی باید هم در قلب و هم بدنت و هم اعضایت خشوع و خضوع باشد. بعد مؤلفه های خضوع قلبی را که ما در کلام امام سجاد بر شمرده شده را بیان کردیم.

«فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ قُمْتَ مَقَامَ الذَّلِيلِ الْحَقِيرِ، الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ، الرَّاجِي الْخَائِفِ». حال که این دو حق را دانستی، باید (در نماز) به گونه‌ای باشی که گویی در مقام ذلیل و راغب و راهب و خائف قرار گرفته‌ای. این را ما گفتیم.

اولاً، احساس ذلت و حقارت؛ اینکه انسان هیچ است در برابر خداوند. اما در عین حال راغب است. توجه کنید، جمع بین هیچ بودن و رغبت به سوی او شده است. «الرَّاهِبِ، الْخَائِفِ»؛ عرض کردیم بین راهب و خائف فرق است. رهب و خوف هر دو به معنای ترس است، اما بین این دو فرق است. هرچند در اینجا اختلاف نظرهایی هم وجود دارد.

اهل لغت، رهب را به معنای خوف طولانی و مستمر دانسته‌اند؛ خوف دائمی. راهب یعنی کسی که دائماً در ترس است. اما راغب اصفهانی رهب را به معنای ترس همراه با اضطراب دانسته است. بین ترس و اضطراب فرق است.

بعضی‌ها رهب را به معنای خشیت دانستند که به نظر می‌رسد این درست است. مرحوم علامه نیز در المیزان، رهبانیت را از همین ریشه «رهب» به معنای خشیت گرفته است.

حال اگر ما این را به معنای خشیت دانستیم، خشیت به معنای نوعی ترس همراه با تعظیم و بزرگداشت است؛ یک نوع ترس خاص است. انسان وقتی با یک بزرگی مواجه می‌شود، یک حالت ترس پیدا می‌کند، اما این ترس غیر از ترسی است که از دیدن یک جانور درنده پیدا می‌کند. هر دو ترس است. تاریکی شب یا حمله حیوان موجب ترس می‌شود، اما این ترس خالی از هرگونه بزرگداشت و تعظیم نسبت به آن خطر است. خشیت، ترسی است که همراه با تعظیم است؛ وقتی کسی مثلاً در برابر یک بزرگی قرار می‌گیرد، در آنجا یک حالت ترس پیدا می‌کند، ولی این ترس، جنسش با آن ترس فرق می‌کند.

امام سجاد (علیه السلام) در اینجا می‌فرماید: نمازگزار باید با چنین حالتی در برابر خداوند حاضر شود؛ یعنی ترس و در عین حال، خشیت داشته باشد، هم خوف داشته باشد، هم خشیت.

در ادامه می‌فرمایند: «الراجی المسکین المتضرع المعظم من قام بین یدیه». اینها همه در ادامه آن اموری است که به عنوان مؤلفه‌های خشوع قلبی، تضرع قلبی و تسلیم جوانحی ذکر شده است.

۶. امیدوار باشد. حالتش این‌گونه باشد.

۷. مسکین (درمانده؛ مسکین یعنی آدمی که درمانده است).

۸. المتضرع (حالت زار، حالت ناله؛ آدمی که متضرع است، چه گونه است؟ یعنی یک حالت التماس و تقاضا).

۹. المعظم من قام بین یدیه (آن کسی را که در مقابل او ایستاده است، بزرگ بشمارد؛ این تعظیم و بزرگداشت خداوند). اینها همه در قلب است.

پس ببینید، «أَنْ تَقُومَ فِيهَا» تا «المعظم من قام بین یدیه»؛ اینها همه در مقام بیان خضوع قلبی و تبیین مولفه‌های آن است. که خضوع قلبی به چه چیزی تحقق پیدا می‌کند؟ اگر می‌فرمود: باید در برابر خداوند قلباً خاضع باشید، چه کار بکنیم؟ امام توضیح می‌دهد که این که می‌گوییم قلباً خاضع باشید یعنی حالت ذلت، حالت رغبت، حالت رهبت، حالت خوف، حالت مسکین، حالت تضرع، و حالت بزرگداشت یا بزرگ دانستن خداوند تبارک و تعالی.

از اینجا شروع می‌کند به بیان خضوع یا آن حالت ظاهری بدن، یعنی خضوع جوارحی که حالا این را هفته آینده ذکر خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمین.»